



نشرآن سسو

درآمدهای کمبریج: «فلسفه اخلاق»

اخلاق‌شناسی نیچه

تامس استرن

ترجمه

حمیده قمری



به نام خداوند جان و خرد

مجموعه درآمدهای کمبریج:

«فلسفه اخلاق»

اخلاق‌شناسی نیچه

تامس استرن

ترجمه

حمیده قمری



نشر آنسو

۱۴۰۱

سرشناسه: استرن، تام، ۱۹۸۴ - م. ۱، Stern, Tom | عنوان و نام پدیدآور: اخلاق‌شناسی نیچه / تامس استرن؛ ترجمه حمیده قمری. | مشخصات نشر: تهران: نشر آن‌سو، ۱۴۰۰. | مشخصات ظاهری: ۱۵۹ ص.؛ ۵/۲۱۰۵/۱۴ سر.م. فروست: مجموعه درآمد‌های کمبریج. «فلسفه اخلاق»: ۲. | شابک: 978-622-97489-7-8 | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | یادداشت: عنوان اصلی: Nietzsche's ethics, 2020. | موضوع: نیچه، فریدریش ویلهلم، ۱۸۴۴ - ۱۹۰۰ م. -- دیدگاه درباره اخلاق | موضوع: Nietzsche, Friedrich wilhelm, 1844 - 1900 -- Views on ethics | موضوع: نیچه، فریدریش ویلهلم -- ۱۸۴۴ - ۱۹۰۰ م. -- نقد و تفسیر | موضوع: Nietzsche, Friedrich wilhelm, 1844 - 1900 -- Criticism and interpretation | موضوع: فیلسوفان آلمانی -- قرن ۱۹ م. -- تاریخ و نقد | Philosophers -- Germany -- 19th century -- History and criticism | شناسه افزوده: قمری، حمیده، ۱۳۶۶-، مترجم | رده بندی کنگره: B ۳۳۱۸ | رده بندی دیویی: ۱۷۰/۹۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۵۱۶۱۶



نشر آن‌سو

مجموعه درآمد‌های کمبریج:

«فلسفه اخلاق»

اخلاق‌شناسی نیچه

تامس استرن

ترجمه: حمیده قمری

ویراستار علمی: مجتبی اعتمادی‌نیا

دبیر مجموعه: روح‌الله چاوشی

کتاب‌آرایی: آتلیه سایه

چاپ اول: ۱۴۰۱ شمارهگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۴۸۹-۷-۸

بها: ۴۳۰۰۰ تومان

© ۱۴۰۱ حق نشر محفوظ و مخصوص نشر آن‌سو است.

بهره‌برداری و نقل قول بدون ذکر منبع به هر صورتی بدون اجازه ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

ansoo.pub@gmail.com

www.aansoo.ir

سخن نخست

درآمدهای کمبریج مفهومی بدیع در انتشارات دانشگاهی و جامعه علمی به‌شمار می‌رود که شامل تحقیقات علمی، مختصر و معتبر است. این مجموعه درآمدهای متمرکز، توسط محققان و ویراستاران برجسته سازماندهی شده است و موضوعات کلیدی را در رشته‌های حوزه هنر و علوم پوشش می‌دهد.

این درآمد نیز شرح اخلاق‌شناسی نیچه در آثار متأخر وی، از سال ۱۸۸۶ به بعد است. نویسنده می‌کوشد در سه بخش نخست، اصول بنیادین نظریه اخلاقی وی - زمینه و پیش‌فرض‌های آن و نیز چارچوب و تنش‌های اصلی ناظر به آن - را شرح دهد. سه بخش بعدی در پی بررسی اهداف نیچه در نگارش تاریخ اخلاقیات مسیحی (بر محور تبارشناسی اخلاق) و محتوای این تاریخ است و اینکه آیا نیچه به اهدافش دست یافته است؟ و دو بخش آخر، به ترتیب، به فلسفه جامع‌تر نیچه با توجه به اخلاق‌شناسی وی و نیز چشم‌اندازهای اخلاق‌شناسی نیچه پس از وی نگاه گسترده‌تری می‌اندازد. امید است ترجمه و انتشار این اثر گامی مؤثر در توسعه پژوهش‌های اخلاق‌شناسانه، به‌خصوص اخلاق‌شناسی نیچه باشد.

نشر آن سو

سپاس‌گزاری

من این کتاب را در دو سمیناری ارانه دادم که کِن گیمس و آندرو هادلستون در کالج بیرکبک، واقع در لندن و در یک سمینار فارغ‌التحصیلی در کالج دانشگاهی لندن (UCL)، ترتیب دادند. از همه شرکت‌کنندگان، به‌ویژه کِن و آندرو، هم برای سازماندهی سمینارهای بیرکبک و هم برای ارائه نظرات دقیق طرح‌های اولیه تشکر می‌کنم. آندری‌یس ارس طرح بسیار ارزشمند و منتشرنشده‌ای از نظرات خود را درباره تبارشناسی اخلاق به اشتراک گذاشت. یک قدردانی ویژه نیز به سپاستین گاردنر مدیون هستم. همچنین می‌خواهم از بن آگلستون، سایمون می، دیل میلر، سارا ریچموند و دو منتقد ناشناس تشکر کنم. در پایان، از آندرنا هاسلانگر که این کتاب به وی پیشکش شده است، متشکرم.

سپاس‌گزاری مترجم

در طول ترجمهٔ این کتاب، همسرم سرپناه و قوت من بود. اگر بیم ضعف نخستین ترجمه نبود، حتماً نام وی - مجتبی اعتمادی‌نیا - بر روی جلد این اثر درج می‌شد. سپاس از او که دشواری‌های کار را از نظر گذراند و بیش از هر چیز مرا باور داشت. بدون حمایت‌های او توان کافی برای انجام این مهم دست نمی‌داد. از وی به خاطر همهٔ زحماتی که متحمل شد و زحماتی که برای به اتمام این کار بر دوشم نهاد، سپاسگزارم.

فهرست

۱۳	توضیحات مترجم
۱۵	مقدمه
۲۵	۱. خلاصه اخلاق‌شناسی نیچه
۲۵	۱.۱ اصطلاحات
۲۷	۱.۲ برنهادی توصیفی: نظریه زندگی
۳۷	۱.۳ دستور هنجاری: سایر اهداف زندگی!
۴۷	۲. اخلاقیات مسیحی
۴۸	۲.۱ مسیحیت به‌مثابه {سازوکاری} مسیحی-اخلاقی
۵۳	۲.۲ فلسفه به‌مثابه {سازوکاری} مسیحی-اخلاقی
۵۷	۲.۳ نگرش‌های اخلاقی، سیاسی و مذهبی
۵۷	به‌مثابه {سازوکاری} مسیحی-اخلاقی

- ۶۰ ۲.۴ نگرش عالمانه به ماثابه {سازوکاری} مسیحی-اخلاقی
- ۶۲ ۲.۵ فرااخلاق نیچه
- ۶۷ ۳. دایره مربع: دو راهبرد متناقض نیچه
- ۷۷ ۴. اخلاقیات، تاریخ و تبارشناسی
- ۸۵ ۵. تاریخ نیچه: طرح کلی
- ۸۵ ۵.۱ تبارشناسی اخلاق جستار یکم: خوب، بد و شر
- ۹۶ ۵.۲ تبارشناسی اخلاق جستار دوم: وجدان اخلاقی
- ۱۰۳ ۵.۳ تبارشناسی اخلاق جستار سوم: دستاورد زهد
- ۱۱۱ ۶. آیا تاریخ نیچه به اهداف خود می‌رسد؟
- ۱۱۱ ۶.۱ اثبات نظریه زندگی
- ۶.۲ چگونه سر از اخلاقیات ضد زندگی درآوردیم؟
- ۱۱۲ (یا چرا اربابان به کیش دیگری روی آوردند؟)
- ۱۲۱ ۶.۳ مواجهه با {تمثیل} دایره مربع: آیا باید زندگی را تصدیق کنیم؟
- ۱۲۷ ۷. نیچه فراتر از اخلاق‌شناسی نیچه
- ۱۲۷ ۷.۱ تفسیر و چشم‌انداز
- ۱۳۳ ۷.۲ حقیقت و خطا
- ۱۳۶ ۷.۳ هنر، خود-آفرینی و ارزش‌آفرینی
- ۱۳۸ نتیجه: سرنوشت اخلاق‌شناسی نیچه‌ای؟
- ۱۴۵ کتاب‌نامه
- ۱۵۷ واژه‌نامه انگلیسی - فارسی

توضیحات مترجم

در ترجمه پیش‌رو، افزوده‌های مترجم داخل آکولاد { } ذکر شده است و علانم دیگر، مخصوصاً برجسته‌سازی‌های برخی عبارات و واژگان، همه نتیجه تصمیمات مؤلف است. در بیشتر موارد، نقل قول‌های مستقیم آثار نیچه، عیناً از ترجمه‌های داریوش آشوری وام گرفته شده است. صرفاً در برخی موارد که نویسنده خود بر تغییر ترجمه متن اصلی تأکید کرده، ترجمه فارسی با تغییراتی همراه است، ولی حتی در این موارد هم تلاش شده تا واژه انتخابی با ترجمه پاکیزه آشوری هم‌خوان و هم‌آوا باشد.

همان‌طور که در بخش نخست این اثر (اصطلاحات) مشاهده خواهید کرد، نویسنده به تمایز میان دو واژه *ethics* و *morality* توجه ویژه داشته است. از این‌رو، این دو واژه به ترتیب «اخلاق‌شناسی» و «اخلاقیات» ترجمه شده است. البته واژه *ethical*، به ضرورت متن گاهی اخلاق‌شناسانه و گاهی اخلاقی ترجمه شده است. همچنین برای نشان دادن تمایز میان دو صفت *unethical* و *immoral* چاره‌ای جز این نبود که یکی نااخلاقی (*unethical*) و دیگری غیراخلاقی (*immoral*) ترجمه شود.

در نهایت از خوانندگان به دلیل هرگونه کم‌داشت و ضعفی در این ترجمه، پیشاپیش پوزش می‌طلبم.

مقدمه

هر نویسنده‌ای که بخواهد درباره‌ی نیچه بنویسد با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. برجسته‌ترین آن‌ها، مسلماً سبک نگارش نیچه است که دست یافتن به وضعیتی ثابت را با مشکل مواجه می‌کند. علاوه‌براین، نگارش وی بیش‌ازحد پیچیده، آشفته، ابهام‌آمیز، دگرشکل‌پذیر^۱، پرطمطراق، مملو از نام‌های مانوس و نامانوس، اغلب به‌وضوح خیال‌پردازانه و به نوبه‌ی خود رباینده و منزجرکننده است. اما از طرفی، دست‌کم محدود است. چالش دوم ظاهراً ناشی از فراوانی بی‌حد و حصر آثار دست‌دوم، یعنی برداشت‌های شخصی، زندگی‌نامه‌ها و پژوهش‌های فلسفی ناظر به بن‌مایه‌های {آثار} وی است البته گذشته از آثار دست سوم، یعنی آثاری درباره‌ی آثاری درباره‌ی نیچه - که جملگی این تصوّر را برمی‌انگیزد که مطمئناً همه‌چیز گفته شده است. این دو چالش به‌ویژه چنانچه با هم درآمیزد بسیار مضطرب‌کننده است، زیرا به این معنا است که تفسیر فلسفه‌ی نیچه امری غیرممکن است که در هر صورت، پیش از این انجام شده است.

^۱ Shape-shifting

به‌هرروی، به نظر من چالش سوم در کانون توجه قرار دارد. این چالش مسئله عدم آگاهی نسبت به تعصبات، تداعی‌های بی‌ارزش، مکتب‌های تفسیری، امیدها و آرزوها یا خصومت‌های همه‌جانبه‌ای است که خواننده نسبت به این مرد و اندیشه‌هایش درپیش می‌گیرد. البته می‌توان یادآور شد که پژوهش‌های بسیار مفیدی در این زمینه وجود دارد، مثلاً: نیچه و نازیسم (Aschheim 1992, 232-71; 315-30; Golomb and Wistrich 2002) (Holub 2016)، پست‌مدرنیسم (Koelb 1990; Gemes 2001)، میراث خواهرش (Holub 2002)، کسالتش (Volz 1990; Huenemann 2013)، بافتار فلسفی و فکری‌اش (Small 2001; Brobjer 2008; Holub 2018) و پذیرش و نفوذش (Aschheim 1992; Higgins and Magnus 1996, 281-383; Reckermann 2003; Woodward 2011). اگر گمان می‌کنید نیچه یک پیشا-نازی^۱ بود یا بالعکس او هیچ چیز مشکل‌ساز و توهین‌آمیزی ننوشت و نازی‌ها با مساعدت خواهر نازی شرورش بود که نسبت به او کاملاً دچار سوءتفاهم شدند و وی را به ناحق به خود نسبت دادند؛ همچنین اگر گمان می‌کنید او یقیناً به علت بیماری سفلیس درگذشته است، یا فرد خیال‌پردازی بود که اندیشه‌هایش از هرگونه بافتار یا تأثیر عقلی آزاد بود، یا فی‌الواقع فیلسوفی بود که با پیش‌فرض‌ها و دل‌مشغولی‌های کم‌وبیش منطبق با عقاید ما کار می‌کرد، {جملگی این موارد} زمینه‌های مناسبی برای آغاز کار است. اما خوشامدگویی به خواننده با کولاکی از ارجاعات به‌دوراز مهمان‌نوازی است. {ازاین‌رو} به جای تلاش غیرممکن برای برچیدن هرگونه تداعی‌های پیش‌داورانه، به سراغ عملی‌ترین گزینه می‌روم: وضوح

^۱ proto-Nazi

بخشیدن درباره اهداف، روش و دامنه این گزارش از اخلاق‌شناسی نیچه تا آنجا که امکان‌پذیر است.

این پژوهش صرفاً بر آثار متأخر نیچه متمرکز است - یعنی از سال ۱۸۸۶ تا ۱۸۸۹ که وی از نگاشتن دست کشید. به بیان دقیق‌تر، این گزارش شامل آثار ذیل است: فراسوی خوب و بد (ف.خ.ب.)، تبارشناسی اخلاق (ت.ا.)، سرگذشت واگنر (س.و.)، غروب بت‌ها (غ.ب.)، دجال (د.)، اینک آن انسان (ا.ا.)، پیش‌گفتارهایی که در سال ۱۸۸۶ برای آثار پیشین خویش نگاشت و تا حدودی نیز یادداشت‌های منتشرنشده این دوران. چرا به این روش باید بر این موضوع متمرکز شد؟ نخست آنکه این دوره شامل تبارشناسی اخلاق، احتمالاً تأثیرگذارترین اثر معاصر نیچه در محافل فلسفی انگلیسی‌زبان^۱ است. ما به تفصیل به این متن خواهیم پرداخت، اما نمی‌توان آن را جداگانه در نظر گرفت. مثلاً از میان متون این دوره، ظاهراً نیچه به دجال اهمیت بیشتری می‌دهد: او سال‌های بسیاری را با نوید شاهکار نویسنده‌اش سپری کرد و سرانجام ادعا کرد که دجال همان شاهکار است (نک. Sommer 2013, 6.2:3-8). دوم آنکه آثار متأخر نسبت به برخی از آثار متقدم وی، پروژه اخلاق‌شناسی واضح‌تر و یکپارچه‌تری را ارائه می‌دهد. موضع متمایزی که باید تبیین شود و در پی آن، البته هدفی که باید نشانه رفت. این بدان معنی نیست که دوره موردنظر از هر نظر از آثار متقدم وی بهتر است: با اندک قطعیتی، آثار متقدم احتمالاً بارورتر و گویاتراند. اما از طرفی آثار متأخر برای این ارائه مختصر، ولی جامع مناسب‌تراند. سوم آنکه اخلاق‌شناسی دوره متأخر علاوه بر ارائه نگرش منسجم‌تر شاخص‌تر است. نشانه‌هایی از دیدگاه

^۱ Anglophone

متأخر در آثار متقدم و نشانه‌هایی از دیدگاه‌های متقدم در آثار متأخر وی وجود دارد، از این رو نباید انتظار تقسیم‌بندی کاملاً منظمی را داشت (برای مروری اجمالی، نک. Stern 2019b). اما پرداختن به آثار متأخر، همچون پیکره‌ای متمایز از آثار، نقطه شروع مناسبی است؛ درحالی‌که بحث مفصل درباره شباهت‌ها و تمایزهای همه آثار و دوره‌ها، بالعکس گمراه‌کننده خواهد بود. ویژگی‌های بارزی چون وضوح و دقت نظر، تعیین‌کننده انتخاب دقیق آثار بوده‌اند. نیچه آن اثری را که درست خارج از حوزه انتخابی من قرار گرفته است - چنین گفت زرتشت - صریحاً بسیار حائز اهمیت می‌داند. این امر معمولاً نشان‌دهنده مرحله گذر از {دوره} میانه به آثار متأخر است. ماهیت و وضعیت بحث‌برانگیز ادعاهای زرتشت که در روایتی خیال‌انگیز و از زبان شخصیت‌های خیالی بیان می‌شود، آن را به‌ویژه برای تقریری شفاف، نامناسب می‌سازد (برای بررسی، نک. Pippin 1988; Luchte 2008). با این حال، هیچ‌چیز در این اثر تصویر ترسیم‌شده از آثاری را که در اینجا ذیل آن قرار می‌گیرد زیرسؤال نمی‌برد. در مجموع: آثار متأخر به این دلیل برگزیده شده‌اند که از لحاظ انسجام و محتوا تأثیرگذارتر و شاخص‌تر هستند.

دلیل دیگری نیز برای این شیوه تمرکز وجود دارد - دلیلی که ما را به‌سوی موضوعات ناظر به روش سوق می‌دهد. دیدگاه اخلاق‌شناسی متأخر نیچه، همان‌طور که در اینجا نشان داده شده، هنوز با وضوح مطلوبی بیان نشده است. حتی با در نظر گرفتن سبک نگارش نیچه و همه مشکلاتش، موضع اخلاق‌شناسی متأخر وی نسبتاً واضح است. این دژآهنگی تفاسیر گوناگون که اخیراً تهدیدی است برای ممانعت اندیشه و سلب اعتماد به نفس هر پژوهشگری که به نیچه رجوع می‌کند، سزاوار او

نیست. اگر موضع بنیادی وی واضح است، چرا این همه تفسیر {گونه‌گون}؟ احتمالاً دلایل بسیاری وجود دارد. اما خصیصه روش شناختی رویکرد من شاید عامل مؤثری باشد که در هر صورت، در نوع خود، ارزش برجسته شدن را دارد. من این پژوهش را دفاع از نیچه نمی‌دانم، هرچند مفسر او باید نقش یک وکیل را در دیوان‌نهایی داوری فلسفی ایفا کند. همچنین آن را به‌مثابه پروژه بازسازی‌شده بدیعی نمی‌دانم که در آن شخصیت متصویری به نام «نیچه»، یا یک فلسفه خوش‌آیند الهام‌گرفته از نیچه، از پاره‌ای بحث‌های پیش‌پافتاده امروزی سربرآورد. این {پروژه} ممکن است نه‌چندان چشمگیر و بحث‌برانگیز و حتی پیش‌پافتاده به نظر برسد، اما در بافتار آنچه اکنون به‌عنوان «تاریخ فلسفه» شناخته می‌شود و به‌ویژه تفسیر فلسفی نیچه به زبان انگلیسی چنین نیست. به‌طور ضمنی و یا صریح بسیاری از آثار فلسفی درباره نیچه و نیز دیگر شخصیت‌های تاریخی، در روش خلاق و در هدف مدافعه‌جویانه است. به نظر می‌رسد برای ارائه «بهترین» نیچه (یا شخصیتی معادل آن) - {به‌عنوان} جذاب‌ترین فرد نزد فیلسوفان انگلیسی‌زبان امروز- اراده‌ای هست که می‌خواهد این کار را به قیمت چیزی انجام دهد که وکلایش ممکن است آن را به‌مثابه نوعی اشتغال فکری انعطاف‌ناپذیر، باستانی و حتی «غیرخیرخواهانه»^۱ همراه با وفاداری به متون نیچه و بافتار تاریخ آن در نظر بگیرند. (درباب ایده‌آل بحث‌برانگیز تفسیر خیرخواهانه، نک. Melamed 2013; Stern 2016؛ برای اظهارات شکاکانه دربابت استفاده از متن و تاریخ به‌مثابه محدودیت‌هایی در نیچه‌پژوهی معاصر، نک. Stern 2018).

^۱ uncharitable

قصد دارم بسیار نزدیک به این آثار باقی بمانم، آن‌ها را با توجه به آنچه دربارهٔ زمینه‌های فکری نیچه می‌دانیم، بازخوانی کنم و اندیشه‌های فلسفی یافت‌شده در آن‌ها را تا حد ممکن واضح، بی‌طرفانه و کامل ارائه دهم. بهتر می‌دانم با اطمینان خاطر پیش‌بینی کنم که خواننده از دیدگاه‌های نیچه چه استنباطی خواهد داشت، حدس من این است نیچه‌ای که در این صفحات نشان داده شده است، گاه از مداخله، مُصر در اشتباه خود و بسیار نچسب است. بنابراین، ادعا نمی‌کنم این همان نیچهٔ موردعلاقهٔ شما باشد، فقط می‌توانم بگویم این نیچه بیش از آنچه اکنون در دسترس است، شخصی حقیقی یا دست‌کم بسیار نزدیک به خود او است. به نظر من برای شرح نسبتاً موجز، واضح و انتقادی از اخلاق‌شناسی واقعی و تاریخی نیچه - اگر قرار باشد بهانه بتراشید - خلأئی در بازار وجود دارد. مادامی که این موضع روش‌شناختی، من را در تضاد با خوانندگانی قرار می‌دهد که به دنبال فلسفهٔ نیچه‌ای بدیع، چه‌بسا دلنشین‌تر، اما از نظر متنی و تاریخی کمتر محدود شده هستند، این امر مانع بحث‌کردن ما در کنار یکدیگر خواهد شد: چنین خوانندگانی می‌توانند نتیجه بگیرند که احتمالاً علاقه‌ای به خریدن آنچه می‌فروشم، ندارند. البته، اگر برخی از خوانندگان تصور می‌کنند وفاداری به متن و بافتار متفاوت با آن چیزی است که اینجا ارائه شده است، پس امیدوارم آن‌ها را به‌گونه‌ای دیگر متقاعد کنم. وگرنه، دست‌کم می‌توان مطمئن بود که اختلاف‌نظرهای ما حقیقی است.

تصمیم دارم اندیشه‌های نیچه را به شیوه‌ای متفاوت از خود وی شرح دهم. علی‌رغم نکوهش صریح نیچه {به این روش}، سعی در ارائه‌ای روشمند (مقایسه کنید با: غ. ب. نکته‌پردازی‌ها ۲۶) توأم با تعریف واضح‌تر اصطلاحات و جلب توجهٔ کمتر دارم. دانشجویی را به‌خاطر می‌آورم که

پس از سال‌ها تحصیل فلسفه در دانشگاه، به‌سختی باور داشت نیچه فیلسوف است، زیرا «مطالبش بسیار سرگرم‌کننده» بود. شک دارم برای چنین دانشجویی باورش آسان باشد که این پژوهش درباره نیچه را یک فیلسوف نگاشته باشد. شاید گفته شود با ارائه اندیشه‌های نیچه به این شیوه، آن‌ها از برخی لحاظ دستخوش تغییر می‌شوند. این مسئله، فی‌نفسه به من مربوط نمی‌شود: احتمالاً خوانندگان از آن‌رو مطالعه این تحلیل را برگزیده‌اند که تصور می‌کنند ارائه واضح‌تر و متمرکزتر اندیشه‌های نیچه سودمند خواهد بود. چه‌بسا هر تحریفی که روی دهد، پیامد ضروری چنین ارائه‌ای است و هیچ‌چیز مانع مراجعه افراد به گفته‌های خود نیچه نمی‌شود.

اتهام صریح‌تر شاید این باشد که اظهارات من درباره نیچه با برخی از دیدگاه‌ها و معتقدات منتسب به وی (مانند چشم‌انداز باوری^۱ یا شکاکیت^۲ در) صدق^۳) یا با برخی ادعاهای خاص وی درباب آثار فلسفی‌اش در تضاد است. درخصوص مورد نخست، وقتی اخلاق‌شناسی وی به‌طور بسنده بررسی شد (بخش‌های ۷.۱، ۷.۲) با جزئیات بیشتری به چشم‌انداز باوری و شکاکیت^۲ در) صدق نظر می‌کنیم. اما درباره مورد اخیر، می‌توان در اینجا به دو نمونه اشاره کرد. نخست، او مدافع فرضی فلسفه «نقاب‌دار»^۳ است. آیا از آنجاکه من دعوی‌های او را به‌مثابه عقاید راسخ ارائه می‌دهم، ممکن است اندیشه‌های فلسفی او صادقانه مطرح نشود؟ درواقع نیچه از فلسفه‌پردازی همراه با یک «نقاب» دفاع می‌کند، اگرچه معانی مختلفی

^۱ perspectivism

^۲ truth-scepticism

^۳ masked philosophy

دارد، {اما} گویا یکی از آن‌ها، البته به دلایل بسیار خاص، متضمن پیام هشدارآمیزی درباب ارتباط بی‌پرده، صریح و دفاع از اندیشه‌های فلسفی است. (برای مثال: ف.خ.ب ۲۵؛ درباره بحث نک. Stern 2017). گرچه در ارتباط با اخلاق‌شناسی متأخر وی، تجربه عمده او - یا «نقاب»، اگر همین باشد - کامل و پایدار است. این تجربه همچنین منحصر به فرد است: هیچ «نقاب» دیگری، هیچ دیدگاه رقیبی در این متون وجود ندارد. اگر شما همواره از یک نقاب استفاده می‌کنید، بنابراین به یک معنا آن نقاب عیناً صورت شما است. نیچه در چارچوب وسیع چشم‌انداز اخلاقی‌اش، قطعاً چیزهای مختلفی را به محک می‌زند که برخی از آن‌ها برخی دیگر را نقض می‌کند، اما او بیرون از این چارچوب گام نمی‌نهد. در واقع، همان‌طور که خواهیم دید مسائل {اتفاقاً} برعکس است: این دشواری‌های ذاتی چارچوب نیچه است که او را ملزم می‌کند تا درون این چارچوب دست به تجربه بزند. ممکن است شکل دوم این اشکال این باشد که دیدگاه‌هایی را که من {در اینجا} ارائه می‌دهم «نقاب» نیستند، بلکه آن‌ها اغراق‌گویی‌هایی هستند که قرار نیست جدی یا واقعی تلقی شوند. به علاوه، نیچه برای یکی از متون اصلی ما، تبارشناسی اخلاق، عنوان فرعی «*Streitschrift*» را در نظر گرفته است، اصطلاحی که ترجمه آزاد آن به معنای «جدل»^۱ است. اما باید از نتیجه‌گیری سریع اجتناب کنیم. چنانچه من، ضمن پاره‌ای اختلافات با یک مخالف، رساله‌ای جدلی بنویسم نتیجه نمی‌شود منظورم آن چیزی نیست که می‌گویم، یا اینکه با جدی انگاشتن ادعاها و استدلال‌هایم نکته از دست می‌رود. اتفاقاً از نظر من دعوی‌های نیچه به‌راستی باید جدی انگاشته شود، اما سعی ندارم در این باره خواننده را

^۱ polemic

متقاعد کنم. تمام آنچه قصد دارم نشان دهم این است که اگر او را بی چون و چرا بپذیرید، پس این چیزی است که شما به آن رسیده‌اید. به بیان دیگر: حتی اگر نیچه درصدد ایجاد دعوی‌های اغراق‌آمیزی است که به هردلیلی قرار نیست جدی انگاشته شود، بالاخره این‌ها دعوی‌های اغراق‌آمیزی است که درواقع وی درصدد ایجادشان است. البته این به مخالف من بستگی دارد که گزارشی از اغراق‌گویی‌ها و چرایی آن‌ها ارائه دهد. من هنوز با چنین گزارشی مواجه نشده‌ام.

شاید لب این اظهارات به این شرح باشد: به مجردی که تصمیم بگیریم اخلاق‌شناسی نیچه را از سال ۱۸۸۶ به بعد، تا آنجا که ممکن است واضح‌تر و روشمندتر از خود وی بیان کنیم، و به مجردی که بپذیریم منظور وی همان چیزی است که می‌گوید، پس آنچه در ادامه می‌آید همان موضع اخلاق‌شناسی است که درنهایت با آن مواجه می‌شویم.

این پژوهش با تعریف و تعیین ویژگی‌های اصلی اخلاق‌شناسی نیچه (بخش ۱) و انتقاد وی از اخلاقیات مسیحی (بخش ۲) آغاز می‌شود. ارائه تنش اصلی در اخلاق‌شناسی نیچه (بخش ۳) - موضوعی است که به ما کمک می‌کند تا اهداف (بخش ۴) و مفاد (بخش ۵) شناخته‌شده‌ترین اثر وی، تبارشناسی اخلاق، و سایر پیشینه‌های مرتبط را درک کنیم. آنگاه می‌توانیم ارزیابی کنیم که نیچه در دست‌یابی به این اهداف چقدر موفق است (بخش ۶). ما برخی لایه‌های مرتبط و ظاهراً مغایر با اخلاق‌شناسی نیچه را بررسی می‌کنیم (بخش ۷) و با برخی اظهارات درباره نحوه طبقه‌بندی اخلاق‌شناسی نیچه و سپس آنچه اخلاق‌شناسی نیچه‌ای در آینده می‌تواند حاصل کند، {بحث را} خاتمه می‌دهیم.

۱. خلاصه اخلاق‌شناسی نیچه

۱.۱ اصطلاحات

در آغاز، تشخیص این سه اصطلاح از هم مفید است: الف) اخلاقیات^۱؛ ب) نمونه خاصی از اخلاقیات که من آن را اخلاقیات مسیحی^۲ می‌نامم؛ و ج) اخلاق‌شناسی^۳ خود نیچه.

الف) اخلاقیات نظام ارزشی خاص، متعلق به گروهی تاریخی یا گروهی از مردمان است و به دلایل احتمالی که می‌تواند هدف مطالعه جامعه‌شناختی باشد، در میان آن‌ها پدید می‌آید. نیچه نمونه‌های گوناگونی {از اخلاقیات را} مد نظر دارد، از جمله: اخلاقیات یونان باستان، اخلاقیات اسرائیلی باستان و اخلاقیات مسیحی.

ب) اخلاقیات مسیحی نمونه بسیار حائز اهمیت از اخلاقیات است که می‌تواند، موقتاً با نظر به مقصود خود نیچه، به مثابه شرفرین روایت نیچه در نظر گرفته شود - اگرچه، چنانچه ملاحظه خواهیم کرد، این وضعیت

¹ morality

² Christian morality

³ ethics

بغرنج‌تر از آن است که این ویژگی‌نمایی کارراه‌انداز پیش می‌نهد. اخلاقیات مسیحی در اروپای مدرن برجسته و بسیار پر اهمیت است. پیروان اخلاقیات مسیحی لزوماً مسیحیان مؤمن نیستند، همان‌طور که همه مسیحیان مؤمن پیرو اخلاقیات مسیحی نیستند. بهتر است اخلاقیات مسیحی به مثابه اصطلاح فنی نیچه پذیرفته شود، نه به مثابه توصیف همه و فقط مؤمنان مسیحی؛ به هر حال، به زودی ارتباط آن با مسیحیت را بررسی خواهیم کرد (بخش ۲.۱).

ج) به دیدگاه اخلاقی خود نیچه به مثابه «اخلاق‌شناسی» اشاره خواهد شد. اگرچه «اخلاق‌شناسی» و «اخلاقیات» در آثار فلسفی مترادف هستند، من در اینجا تعریف‌های متفاوتی از آنها ارائه می‌دهم، زیرا صحبت از «اخلاقیات نیچه» با اذعان به {موارد} (الف) و (ب) مبهم خواهد بود. به عبارت دیگر، اخلاق‌شناسی نیچه، همانند اخلاقیات مسیحی، اشتباهاً مصداق دیگری از اخلاقیات در نظر گرفته می‌شود. به زودی، هنگامی که اخلاق‌شناسی وی را درک کنیم، درمی‌یابیم که وی امور را بدین‌سان نمی‌بیند (بخش ۲.۵).

اگرچه او به وضوح میان این سه تمایز قائل شده است، اما {این‌ها} اصطلاحات نیچه نیست. او می‌تواند از {واژه} «اخلاقیات» برای اشاره به موارد (الف)، (ب) یا (ج) بهره ببرد. از «اخلاقیات مسیحی» می‌گوید؛ اما در واقع، معمولاً از اخلاقیات مسیحی به مثابه «اخلاقیات» یاد می‌کند، زیرا فرم غالب این است: برای مثال، تبارشناسی اخلاق، در واقع تبارشناسی اخلاقیات مسیحی است. وی ابدأ اصطلاح «اخلاق‌شناسی» را به مفهومی که من در نظر دارم استعمال نمی‌کند. با این حال، این اصطلاحات ما را قادر می‌سازد این وضعیت را با وضوح بیشتری تشریح کنیم. مثلاً نیچه غالباً استدلال می‌کند که اخلاقیات مسیحی نااخلاقی است، اما به عقیده او هر اخلاقیاتی نااخلاقی نیست. همچنین وی معتقد است که کنش

اخلاق‌شناسانه، غیراخلاقی-مسیحی است، یعنی با معیارهای مسیحی نااخلاقی است، اگرچه با معیارهای هر اخلاقیاتی نااخلاقی نیست. اخلاق‌شناسی نیچه، همانطور که در اینجا معرفی شده است، ترکیبی از برنهادی توصیفی^۱ و دستوری هنجاری^۲ است. با برنهاد توصیفی شروع می‌کنیم.

۱.۲ برنهادی توصیفی: نظریه زندگی

وقتی نیچه به قلمرو موجودات زنده نظر می‌افکند آنچه مشاهده می‌کند ساحتی است که لزوماً با قدرت‌طلبی مشخص می‌شود. ارگانیسم‌ها، چنانچه ملاحظه خواهیم کرد، حتی اجزای ارگانیسم‌ها خواستار سلطه و کنترل هستند؛ آن‌ها درصدد آنند که هرآنچه را دارند افزایش دهند و هرآنچه را با آن مواجه می‌شوند تحت سلطه درآورند یا استثمار کنند. این {ساحت} متغیر و بی‌ثبات است: موجودی دیگری را سرکوب می‌کند، به مصرف می‌رساند، از بین می‌برد و یا به اجبار تصاحب می‌کند؛ دیگری، به نوبه خود سرکوب شده، به مصرف رسیده و الی آخر. نیچه موجودیت رفتار تعاملی را انکار نمی‌کند، اما آن را ابزاری برای انواع قدرت‌طلبی می‌داند و نه مثال نقضی برای آن.

قدرت‌طلبی صرفاً توصیف نیچه از نحوه رفتار معمول یا غالب موجودات زنده نیست: {بلکه} قدرت‌طلبی از حیث بیولوژیکی ذاتی است. طبق گفته نیچه، زندگی آنگاه که به درستی درک شود، بدون چنین ویژگی‌نمایی‌ای «نمی‌تواند ملاحظه شود» (ت. ۱ جستار دوم ۱۱) زیستن و قدرت‌طلبی را، از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین اشکال زندگی، نمی‌توان از هم تفکیک کرد.

^۱ descriptive thesis

^۲ normative command